

## در جستجوی معنی روایت سبعة احرف

دکتر سید رضا مؤدب

استاد یار گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم

### چکیده

از جمله بایسته‌های پژوهش در مسأله نزول قرآن، یافتن معنای روایت 'سبعة احرف' یعنی نزول قرآن بر هفت حرف است که برخی از اهل حدیث ادعای تواتر نموده‌اند و معنی آن نزد آنان معرکه آرا شده. آنها معتقدند که گروهی از صحابه از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که قرآن بر هفت حرف نازل شده. در این مقاله نخست ضمن گزارش از حدیث سبعة احرف و میان دیدگاه گروهی که ادعای تواتر کرده‌اند حدیث مورد بررسی و معنای آن جستجو و کاوش شده است. در پایان دیدگاه دیگر دانشمندان به همراه روایت امام صادق (ع) در مورد نزول الفاظ قرآن بر حرف واحد مورد تحلیل و بررسی واقع گردیده است و بیان شده که نزول قرآن بر حرف واحد بوده است و روایت سبعة احرف یا به لهجه‌ها و یا به بطون قرآن باز می‌گردد.

### مقدمه

نزد بزرگان اهل حدیث روایتی در مورد نزول قرآن تحت عنوان "سبعة احرف" شهرت یافته است. تعبیر آن روایت، گرچه در ساختار الفاظ با یکدیگر متفاوتند، لکن از جهت محتوی، به ظاهر متحد و متفقند که "قرآن دارای هفت نزول بوده است".

بیشتر محدثان اهل سنت، مدعی تواتر حدیث سبعة احرف هستند؛ زیرا معتقدند که بیست و یک صحابی، به روایت آن همت نموده اند که پیامبر (ص) فرمود:

"ان هذا القرآن انزل على سبعة احرف فاقروا ماتیسر منه"، یعنی، قرآن بر هفت حرف نازل شده به هر یک از آنها که برایتان میسر است، قرائت نمایید.<sup>(۱)</sup>

روایاتی که بیان کننده نزول قرآن بر هفت حرف است، به تعداد ذیل در جوامع حدیثی (صحاح سته) گزارش شده است: صحیح بخاری ۶ مورد؛ صحیح مسلم ۴ مورد؛ سنن ترمذی ۲ مورد؛ سنن نسائی ۶ مورد؛ سنن ابی داوود ۳ مورد؛ مسند احمد بن حنبل ۳۵ مورد؛ مجموع روایات مذکور ۵۶ مورد می باشد<sup>(۲)</sup> که برخی مکرر و چند مرتبه و با کمی تفاوت نقل شده است. تمامی روایات مذکور به دو دسته قابل تقسیم هستند:

الف: روایاتی که در آن تعبیر "نزول قرآن بر هفت حرف" به کار رفته است و شامل ۲۹ روایت است.

ب: روایاتی که با تعبیر "قرائت قرآن بر هفت حرف" می باشد و شامل ۲۷ روایت است.

### روایت سبعة احرف

از معروفترین روایات نبوی؛ تعبیر "نزول قرآن بر هفت حرف" روایات ذیل است:

۱- عن عمر بن الخطاب يقول: سمعت هشام بن حكيم يقرأ سورة الفرقان في حياة رسول الله (ص) فاستمعت لقراءته فإذا هو يقرأ على حروف كثيرة لم يقرئنيها رسول الله فكذت أساوره في الصلاة فتصبرت حتى سلم، فلببته بردائه فقلت: من قرأك هذه السورة التي سمعتك تقرأ؟ قال: أقرانيها رسول الله (ص) فقلت: كذبت فان رسول الله (ص) قد أقرانيها عى غير ما قرأت، فانطلقت به أقوده الى رسول الله فقلت: اني سمعت هذا يقرأ سورة الفرقان على حروف لم تقرئنيها. فقال رسول الله (ص) كذلك انزلت ثم قال: اقرأ يا عمر فقرأت القراءة التي أقراني فقال رسول الله (ص) كذلك انزلت. ان هذا القرآن أنزل على سبعة احرف، فاقروا واماتيسر منه؛

عمر بن خطاب می‌گوید: هشام بن حکم سوره فرقان را در زمان حیات رسول خدا در نماز قرائت می‌کرد. به قرائت وی گوش دادم متوجه شدم که سوره فرقان را با وجوه متعددی قرائت می‌نماید که با وجهی که رسول خدا (ص) به من تعلیم داده بود، تفاوت دارد. نزدیک بود که در حال نماز با وی درآویزم. ولی منتظر شدم تا نمازش را به پایان رساند؛ عبایش را بر او پیچیدم و گفتم: چه کسی قرائت این سوره را به تو یاد داده است؟ گفت: رسول خدا (ص).

گفتم دروغ می‌گویی. به خدا سوگند رسول خدا (ص) همین سوره‌ای که تو می‌خوانی، طور دیگری به من آموخته است. او را نزد رسول خدا بردم و گفتم: یا رسول الله من شنیدم که این مرد سوره فرقان را با وجوه متعددی می‌خواند که با ترتیبی که شما به من تعلیم فرموده‌ای تفاوت دارد.

رسول خدا فرمود: عمر ره‌ایش کن تا بخواند. هشام همان قرائتی را که از او شنیده بودم، دوباره خواند. آنگاه رسول خدا (ص) فرمود: سوره همین طور که هشام می‌خواند نازل شده است.

سپس فرمود: عمر تو بخوان و من همانطور که آن حضرت به من یاد داده بود، خواندم. باز هم رسول خدا فرمود: سوره همین طور که خواندی نازل شده است. آنگاه رسول خدا فرمود: "قرآن بر هفت حرف نازل شده به هر یک از آنها که برایتان میسر است، قرآن را قرائت بنمایید." (۳)

۲- عن ابی بن کعب: ان رسول الله لقی جبرئیل فقال له: انی بعثت الی امه‌امیین منهنم العجوز والشیخ الکبیر والجاریه والرجل الذی لم یقرأ کتاباً قط، قال یا محمد، انّ القرآن انزل علی سبعة احرف.

ابی بن کعب می‌گوید: پیامبر (ص) جبرئیل را ملاقات کرد و برای من گفت: من برای امتی مبعوث شده‌ام که امی هستند. در میان آنان ناتوان و پیر و غلام و کنیز هست و کسانی

که قادر به خواندن نیستند. جبرئیل گفت: یا محمد، قرآن بر هفت حرف نازل شده است. (۴)

۳- عن ابی هریره قال: رسول الله (ص) انزل القرآن علی سبعة احرف. علیم حکیم، غفور رحیم.

ابی هریره: پیامبر (ص) فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. علیم است و حکیم، غفور است و رحیم. (۵)

۴- عن عبدالله بن مسعود. قال: قال رسول الله (ص): انزل القرآن علی سبعة احرف، لكل حرف منها ظهرو و بطن و لكل حرف حد و لكل حد مطلع

عبدالله بن مسعود: پیامبر (ص) فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. برای هر حرفی، ظاهر و باطنی است، و برای هر حرفی، حدی و هر حدی را مطلعی است. (۶)

۵- عن ابی هریره: ان رسول الله (ص) قال انزل القرآن علی سبعة احرف، فالمرء فی القرآن كفر. ثلاث مرات فما عرفتم به منه فاعملو به، فما جهلتم به فردوه الی عالمه.

ابی هریره: پیامبر (ص) فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده و سه مرتبه فرمود: تردید در آن کفر است. هر آنچه را دانستید بر آن عمل کنید و بر هر مفرد از معنای آن آگاه نشدید، از عالمش پرسید. (۷)

در پنج روایتی که گذشت و چهار نفر از صحابه معروف پیامبر (ص)، یعنی ابن مسعود، ابی بن کعب، عمر بن خطاب، ابی هریره، از پیامبر (ص) روایت نموده اند که نزول قرآن بر هفت حرف بوده است. در روایت نخست به اختلاف بین عمر و هشام بن حکیم اشاره شده که نزد پیامبر (ص) رفتند و پیامبر (ص) قرائت هر دو را تأیید نمود و آنها را نازل شده از نزد خداوند دانست و فرمود: "نزول قرآن بر هفت حرف است" که حکایت از تأیید پیامبر (ص) بر قرائت و لهجه هر دو نفر دارد.

همینطور در روایت دوم نیز، ابی بن کعب سخن از تأیید پیامبر بر قرائت کسانی است که توان قرائت بر حرف واحد را ندارند و پیامبر (ص) می فرماید: در بین امت من، ناتوان و

پیر و غلام هستند که آنها عاجز از قرائت بر حرف واحد هستند و لذا برای تیسیر آنها، قرائت دیگری نیز نازل شده تا به سبعة احرف رسیده است و همچنین در روایت سوم، اما در روایت چهارم و پنجم که از ابی هریره و ابن مسعود رسیده است، سخن از نزول قرآن بر هفت حرف است ولی ارتباط مستقیم با قرائت و لهجه‌ها ندارد؛ بلکه به نظر می‌رسد مربوط به معانی و محتوی قرآن است. زیرا در روایت ابن مسعود آمده است که قرآن دارای هفت حرف و هر حرفی ظاهر و باطنی دارد و در روایت ابی هریره هم آمده است که مرء در قرآن کفر است و هر آنچه از معانی آن را دانستید عمل کنید و الا از عالمش پیر سید.

از معروفترین روایات نبوی با تعبیر "قرائت قرآن بر هفت حرف"، روایات ذیل است:

۱- عن ابن عباس قال ان رسول الله قال: أقرأني جبرئيل علي حرف فراجعته فلم ازل

أستزیده و یزیدنی حتی انتهی الی سبعة احرف

ابن عباس: پیامبر (ص) فرمود: جبرئیل مرا بر یک حرف اقرا نمود. بر او مراجعه کردم و همواره طالب افزایش آن بودم و او نیز می‌افزود تا به هفت حرف منتهی شد. (۸)

۲- عن ابي بن كعب: ان النبي كان عند احناء بنی غفار، قال فأتاه جبرئيل (ع) فقال: ان

الله يامرک ان تقرأ امتک القرآن علی حرف. فقال: أسأل الله معافاته و مغفرته و ان امتی

لا تطیق ذلك، ثم أتاه الثانية فقال ان الله يامرک ان تقرأ امتک القرآن علی حرفین فقال:

أسأل الله معافاته و مغفرته و ان امتی لا تطیق ذلك. ثم جاءه الثالثة فقال: ان الله يامرک ان

تقرأ امتک علی ثلاثة احرف. فقال أسأل الله معافاته و مغفرته و ان امتی لا تطیق ذلك. ثم

جاءه الرابعة فقال ان الله يامرک تقرأ امتک القرآن علی سبعة احرف. فایما حرف قروؤا علیه

فقد اصابوا.

ابی بن کعب می‌گوید: پیامبر (ص) در کنار چشمه آب بنی غفار بود که جبرئیل بر او

نازل شد و گفت: خدا امر می‌کند که قرآن را بر امت بر یک حرف بخوانی. پیامبر (ص)

فرمود: خداوند ا طلب عفو و مغفرت برای امتم خواهانم، زیرا آنها طاقت یک حرف را ندارند. جبرئیل برای مرتبه دوم نازل شد و گفت: خدا امر می‌کند که قرآن را بر امتت بر دو حرف بخوانی. پیامبر (ص) مجدداً درخواست عفو و مغفرت نمود و جبرئیل برای مرتبه سوم نازل شد و گفت: خدا امر می‌کند که قرآن را بر امتت بر سه حرف بخوانی. پیامبر (ص) مجدداً درخواست عفو و مغفرت نمود جبرئیل برای مرتبه چهارم نازل شد و گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر امتت بر هفت حرف بخوانی. هر کدام از آن حروف را که قرائت نمودید، قرآن خوانده‌اید. (۹)

۳- عن ابی بن کعب: قال: قال رسول الله (ص) یا ائی انی أقرت القرآن علی حرف و حرفین و ثلاث، حتی بلغت سبعة احرف، ثم قال: لیس منها الا شاف کاف. ان قلت: سمیعاً، علیما عزیزاً، حکیماً، مالم یختم آیه عذاب برحمة او آیه رحمة بعذاب.

ابی بن کعب: پیامبر (ص) فرمود: ای ابی، قرآن بر من بر یک حرف و دو حرف و سه حرف، قرائت شد تا آن که به هفت حرف رسید. سپس پیامبر (ص) فرمود: تمام آن هفت حرف کافی و شافی است؛ گرچه سمیعاً به جای علینما و عزیزاً به جای حکیماً، گفتم؛ مادام که آیه عذاب به آیه رحمت و آیه رحمت به آیه عذاب مبدل نشود. (۱۰)

۴- قال رسول الله: قال جبرئیل: اقرء القرآن علی حرف واحد. فقال میکائیل: استزده فقال علی حرفین حتی بلغ ستة او سبعة احرف.

پیامبر (ص) فرمود: جبرئیل گفت: قرآن را بر یک حرف بخوان. میکائیل گفت: آن را افزایش ده، سپس جبرئیل گفت: بر دو حرف تا به شش، یا هفت حرف رسید. (۱۱)

۵- قال رسول الله (ص): یا ابی. ارسل آتی ان اقرء القرآن علی حرف. فرددت علیه ان هون علی امتی فزد علی فی الشانیه. ان اقرء القرآن علی حرف. فرددت علیه ان هون علی امتی فرد علی فی الثالثه ان اقرء القرآن علی سبعة احرف

پیامبر (ص) فرمود: ای ابی، من مأمور شدم که قرآن را بر یک حرف بخوانم. به جبرئیل

مراجعه نمودم و خواستار شدم که بر امت من آسان بگیرد. جبرئیل در مرتبه دوم بازگشت و گفت: قرآن را بر یک حرف بخوان من به جبرئیل مراجعه نمودم و خواستیم که بر امت من آسان بگیرد. جبرئیل در مرتبه سوم بازگشت و گفت: قرآن را بر هفت حرف بخوان.<sup>(۱۲)</sup>

در پنج روایت مذکور، برخلاف روایات پنجگانه قبلی، به صراحت سخن از نزول قرآن بر هفت حرف نیست، بلکه سخن از اجازه قرائت بر هفت حرف است. این پنج روایت که از صحابه معروف مانند ابی بن کعب، ابن عباس روایت شده، نشان از آن دارد که بر امت پیامبر (ص) اجازه داده شده تا در صورت ناتوانی بر قرائت واحد، بر حروف و لهجه‌های دیگر نیز قرائت نمایند.

در روایت اول از ابن عباس آمده است که پیامبر (ص)، همواره طلب افزایش قرائات را می‌نمود تا آنها به هفت قرائت رسید. در روایت دوم نیز از ابی بن کعب آمده است که هنگامی که جبرئیل بر پیامبر نازل می‌گشت. پیامبر (ص)، مکرراً از جبرئیل می‌خواست تا امت بر قرائات دیگر نیز مجاز باشد. زیرا امتش طاقت و توان قرائت واحد را ندارند و حتی توان دو قرائت را نیز ندارند تا که به هفت قرائت رسید و بر اثر پافشاری حضرت رسول (ص)، جبرئیل اجازه داد تا امت بر هفت حرف، قرائت نمایند.

در روایت چهارم، میکائیل واسطه شده و درخواست بیش از قرائت واحد را دارد و در واقع میکائیل نیز به همراهی پیامبر (ص) آمده و از جبرئیل می‌خواهد تا امت بر قرائات دیگر نیز مجاز باشد و بر اثر طلب افزایش میکائیل، قرائت به شش یا هفت حرف می‌رسد. در روایت سوم و پنجم بر همین مضمون و محتوی تأکید شده است.

### دیدگاه حدیث پژوهان اهل سنت

معنای روایت سبعة احرف در میان حدیث پژوهان اهل سنت، معرکه آراست و آنها در کمتر مسأله‌ای همانند روایت سبعة احرف، چنین دچار اختلاف آرا شده‌اند. محمد بن احمد

انصاری قرطبی، صاحب تفسیر "الجامع لاحکام القرآن" دانشمند قرن هفتم هجری در مقدمه تفسیر می گوید:

دانشمندان در معنا و مراد از احرف سبعة، ۳۵ قول ذکر کرده اند.<sup>(۱۳)</sup> سیوطی معتقد است که اختلاف آرا تا چهل قول نیز رسیده است<sup>(۱۴)</sup> آرای دانشمندان اهل سنت، آن چنان زیاد بوده است که فهم اصل روایت را مشکل کرده و بحث درباره آن پیچیده و برای برخی جای لغزش شده است. زرقانی می گوید:

از آن جهت که در موضوع سبع احرف، اقوال فراوانی نقل شده، بحثی پرلغزش و هولناک است؛ زیرا اکثر آرا بر چهره حقیقت سایه و جهات افکنده است تا آن جا که برای برخی از علما موجب لغزش شده است. جمعی هم از اظهار نظر درباره آن خودداری نموده و آن را حدیثی مشکل خوانده اند.<sup>(۱۵)</sup>

برخی، اساساً حدیث، سبعة احرف را به هر معنا که باشد مختص به زمان خاصی دانسته اند و زمینه ای برای معنا و مفهوم آن در زمان کنونی ندیده معتقدند که قرآن کنونی بر حرف واحد می باشد. طحاوی از دانشمندان قرن چهارم هجری اهل سنت از این گروه است و می نویسد:

احرف سبعة، مربوط به زمان خاصی است که ضرورت اقتضای آن را داشته است و پس از رفع ضرورت، حکم آن نیز برطرف شده و قرآن بر حرف واحد قرائت می شده است.<sup>(۱۶)</sup>

اما بیشتر معتقدند که:

الف: سبعة احرف اختصاصی به زمان خاصی ندارد و قرآن برای همیشه بر هفت حرف می باشد.

ب: منظور از قراآت سبعة، قطعاً سبعة احرف نیست. اگر چه این وجه بین عامه مردم رواج پیدا کرده، اما از نظر دانشمندان اهل سنت به دلایل ذیل باطل است؛ زیرا هیچ یک از



قراء سبعة پیامبر (ص) را درک نموده‌اند و فردی که قائل به تسبیح شد و قراء سبعة را برگزید، ابن مجاهد تمیمی متوفای ۳۲۴ ه‍.ق می‌باشد و قبل از او، قراءت سبعة معروف نبودند. از جهتی قول مذکور با معنای روایتی که مربوط به لغات و لهجات یا بطون قرآن ... بوده است، مخالف می‌باشد. لذا برای رفع چنین توهمی، علما اقدام به تسدیس یا تثمین و تعشیر قراءت نموده‌اند، تا توهم انطباق روایت سبعة احرف، بر قراءت سبعة از ذهن‌ها زدوده شود. مکی بن ابی طالب متوفای ۴۷۳ ه‍.ق می‌گوید:

هر کس که گمان کند قرائت هر یک از قرا، مانند قرائت نافع و عاصم و ابن عسیر و ... یکی از حروف سبعة هستند که پیامبر (ص) بر آنها تنصیب نموده است، اشتباه بزرگی کرده است.<sup>(۱۷)</sup>

برای آشنایی بیشتر به دیدگاه حدیث پژوهان اهل سنت، نظر گروهی از آنان بررسی می‌گردد.

### ابن جزری

ابن جزری (م / ۸۳۳ ه‍.ق) معتقد است که معنا سبعة احرف، وجوه هفتگانه است که حاصل مطالعه سالهای فراوان به معنی سبعة احرف است و می‌گوید: من قراءت را چه صحیح و چه شاذ و ضعیف و منکر را مورد بررسی قرار دادم و تمام آنها از نظر اختلاف به هفت وجه برمی‌گردد که وراى آن هفت وجه، متصور نیست. آن هفت وجه بدین قرار است:

۱- اختلاف در حرکات. بدون تغییر در معنا و صورت. مانند "البخل" که به چهار شکل در حرکت خوانده شده است.

۲- اختلاف در حرکات. با تغییر در معنا؛ مانند: فتلقى آدم من ربه کلمات، با رفع آدم و نصب کلمات و بر عکس.

۳- اختلاف در حروف با تغییر در معنا فقط؛ مانند: تبلو و تتلو.

۴- اختلاف در حروف با تغییر در صورت فقط؛ مانند: الصراط والسرائط.

۵- اختلاف در حروف با تعییر در صورت و معنا؛ مانند منکم و منهم.

۶- اختلاف در تقدیم و تأخیر؛ مانند: فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ

۷- اختلاف در زیادی و نقصان؛ مانند: اوصی و وصی. (۱۸)

ابن جزری معتقد به تواتر قرآآت است و لذا با توجه به اینکه روایت سبعة احرف را دلیلی و توجیهی بر قرآآت می‌داند، وجوه مذکور را ترسیم می‌نماید. لذا سخن و نظریه او، به نظر می‌رسد به دلایل زیر قابل تردید است:

الف: او با برداشت شخصی خود از قرآآت، چنین وجوهی را ترسیم نموده است و هیچ دلیلی نبوی بر چنین معنایی از سبعة احرف وجود ندارد.

ب: وجوه مذکور با هم تداخل و برهم انطباق دارند. لذا تغییر و عدم تغییر معنا خود موجب انقسام نمی‌شود؛ زیرا لفظ در هر دو یکسان است.

ج: اگر موارد اتفاق را در برابر موارد اختلاف، وجه جداگانه‌ای بدانیم، وجوه هفت‌گانه به هشت وجه می‌رسد.

د: وجوه مذکور با روایت نزول قرآن بر هفت بطن و جواز تبدیل کلمات با یکدیگر در آخر کلمه تعارض دارد.

ه: نخستین مرحله نزول بر کدام یک از وجوه هفت‌گانه بوده است؟ و همین طور مرحله دوم و سوم و...؟

و: اختلاف عمر و هشام بن حکیم در کدام از موارد هفت‌گانه بوده است؟

ز: وجوه هفت‌گانه مذکور با روایت نزول قرآن بر سه حرف و... چگونه سازگاری دارد.

### قرطبی و ابن عبدالبر

قرطبی در تفسیر خود، الجامع لاحکام القرآن، معتقد شده که منظور از سبعة احرف، معانی متقارب با الفاظ مختلف است. وی این قول را نظریه اکثر اهل علم می‌داند و می‌گوید: مراد از هفت حرف، هفت وجه از معانی متقارب با الفاظ مختلف است مانند: *اقبل وتعال و هلم*.<sup>(۱۹)</sup> قرطبی این قول را به ابن عبدالبر هم نسبت می‌دهد و معتقد است که الفاظ مختلف را پیامبر (ص) اجازه داده است تا با قرائت متفاوت خوانده شود. ولی در زمان عثمان قرائت بر یک حرف شد شش حرف دیگر زایل شدند و اکنون تنها قرآن بر یک حرف است. برداشت و نظریه قرطبی نیز قابل تردید است، زیرا:

۱- معانی متقاربت در بخش بسیار نادری از آیات قرآن ممکن است مصداق داشته باشد.

۲- وجه مذکور با بسیاری از روایات که سبعة احرف را به قرائت، لفظ و شکل‌های متفاوت مربوط می‌کند، مخالف است.

۳- اگر مقصور از سبعة احرف، تبدیل کلمات هم معنی به یکدیگر باشد، به سستی در اعجاز قرآن و وهن در معانی آن می‌انجامد؛ زیرا الفاظ قرآن، وحی الهی است و امکان ندارد که کسی بتواند آنها را جابه‌جا نماید.

۴- ترسیم سبعة، در این شکل میسور نخواهد بود، زیرا در جستجوی کلمات هم معنا، ممکن است در هر لفظی به یک مورد یا حداکثر دو یا سه مورد، دست یافت.

۵- هیچ دلیلی از روایات بر تأیید این وجه نیست.

### طبری، ابن عطیه، آلوسی، زرکشی

طبری و گروهی دیگری معتقدند که منظور از سبعة احرف، لغات قرآن است و در مقدمه تغییر خودپشتوانه تفسیر سبعة احرف را به هفت لغت، روایاتی می‌داند که در این

خصوصاً رسیده‌اند.<sup>(۲۰)</sup> نظریه طبری را گروهی مانند ابن عطیه، آلوسی زرکشی پسندیده‌اند. ابن عطیه می‌گوید: معنای سخن پیامبر (ص) که فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده، یعنی بر هفت عبارت از قبایل است یعنی بر لغت تمامی آنها.<sup>(۲۱)</sup> آلوسی نیز می‌گوید: هفتمین قول این است که مراد هفت لغت است... و از آنچه بیان داشتیم روشن شد که حقیقت در قول هفتم است.<sup>(۲۲)</sup> زرکشی نیز می‌گوید: نزدیکترین قول به صحت، این است که مراد از سبعة احرف، لغات هفتگانه است: زیرا نزول بر لغات سبع، قرائت را برای مردم آسان‌تر می‌کند.<sup>(۲۳)</sup>

کلام طبری و دیگران در برگرداندن نزول قرآن بر هفت حرف، به هفت لغت، از جهات ذیل، به نظر می‌رسد قابل تردید باشد:

۱- این وجه با بخش زیادی از روایات سبعة احرف، مبنی بر معانی متقارب و هفت بطن و جواز تبدیل کلمات و... سازگاری ندارد.

۲- در هیچ روایتی از پیامبر (ص) تصریح نشده که منظور از احرف، لغات است؛ همچنان که در هیچ روایت قطعی نبوی، بیان نشده که منظور از هفت لغت، کدام است.

۳- اگر منظور از هفت حرف، هفت لغت باشد، با این روایت که از ابن مسعود که می‌گوید: قرآن بر لغت مضر نازل شده، منافات دارد زیرا سخن از نزول قرآن بر لغت واحد است.<sup>(۲۴)</sup>

۴- حمل سبعة احرف بر لغات قرآن، با گویاترین روایت سبعة احرف منافات دارد که در مورد اختلاف عمر و هشام بن حکیم در سوره فرقان است، در حالی که آنها هر دو صاحب یک لغت بودند و آن لغت قریش بود و پیامبر (ص) هر دو قرائت را تأیید نمودند و گفتند: قرآن بر هفت حرف نازل شده است.

۵- اگر مقصود از هفت حرف، لغات سبعة باشد و از مرز لغت قریش خارج شده باشد، با هدف تسهیل بر امت پیامبر سازگاری ندارد. زیرا لغت قریش فصیح و روان بوده است.

۶- اگر قرآن بر همه لغات نازل شده است، ممکن است از فصاحت کافی برخوردار نباشد. زیرا در نزد برخی از علما فصاحت قرآن در آن است که به لسان قریش که همان لسان و لغت پیامبر (ص) است، نازل شده است و آن افسح لغات بود.

### بررسی تواتر حدیث سبعة احرف

حدیث پژوهان اهل سنت، مدعی تواتر حدیث سبعة احرف هستند که در طبقه صحابه بیش از ۲۱ صحابی، آن را از پیامبر (ص) روایت نموده‌اند و در طبقات بعدی هم از چنین تواتری برخوردار است.<sup>(۲۵)</sup> در تعریف روایت متواتر آمده است که در تمامی طبقات آن، ناقلین، می‌باید به حدی باشند که توافق آنها بر کذب، بطور عادی محال باشد و موجب علم گردد.<sup>(۲۶)</sup> بر این اساس آیا روایت نبوی "سبعة احرف" در طبقه صحابه و بعد از آن می‌تواند از چنین تواتری برخوردار باشد؟

به حتم، روایت نبوی سبعة احرف، از تواتر لفظی برخوردار نیست. زیرا تعدادی با تعبیر "نزول قرآن بر هفت حرف" و تعدادی با تعبیر "اجازه قرائت بر هفت حرف" و هر کدام نیز با تعبیر متفاوت می‌باشند. اما تواتر معنوی و اجتماعی نیز - که حتماً مورد ادعای اهل سنت هم، این چنین تواتری می‌باشد - در مورد آن اثباتش مشکل است؛ زیرا نخستین کسی که ادعای تواتر آن را نموده است، ابو عبید قاسم بن سلام، متوفای ۲۲۴ ق، است و دیگران در پی او چنین مطلبی را ذکر نموده‌اند.

ابن جزری، متوفای ۸۲۳ ه. ق می‌گوید: ابو عبید پیشوای بزرگ بیان داشته که این حدیث [سبعة احرف] از پیامبر (ص)، متواتر نقل شده است.<sup>(۲۷)</sup> ابوشامه، متوفای ۶۵۵ ه. ق، نیز می‌گوید: ابو عبید گفت: حدیث سبعة احرف دارای تواتر است مگر روایت از سمره بن جندب که از پیامبر (ص) روایت شده که: قرآن بر سه حرف نازل شده است.<sup>(۲۸)</sup>

دکتر ضیاء الدین عتر از قرآن پژوهان معاصر می‌گوید: استفاضه حدیث سبعة احرف و

انتشار شهرت و کثرت روایات آن به حدی است که توافق آنها بر کذب محال است، موجب حکم نمودن بر تواتر آن است و ابو عبید هم بر آن تنصیص نموده... و اگر گفته شود که ما به تواتر حدیث سبعة احرف اطمینان نداریم و لذا صدور آن قطعی نیست، خواهیم گفت، که در این صورت تواتر قرآنت که بر اساس احرف سبعة است، خود اقوا دلیل است بر قطع به صحت حدیث سبعة احرف و تواتر آن والله اعلم. (۲۹)

باید گفت که ادعای تواتر معنوی و اجمالی حدیث سبعة احرف به دلالتی که به اختصار بر آنها اشاره می‌شود، مشکل می‌نماید. (۳۰)

**الف: عدم اثبات تواتر در تمامی طبقات؛ زیرا راویان آن در تمامی طبقات در حد متواتر نیستند؛** لذا محمد عبدالعظیم زرقانی، مدرس و محقق علوم قرآنی در الازهر می‌گوید: شرط تواتر اگر در طبقه صحابه حدیث سبعة احرف وجود دارد، ولی در طبقات بعدی آن ثابت نیست. (۳۱)

دکتر عتر هم در مورد تواتر آن کمی کوتاه آمد و گفت: اگر کسی بگوید صدور آن قطعی نیست، می‌باید گفت که تواتر آن را باید به استناد تواتر قرآنت پذیرفت: (۳۲) در حالی که تواتر قرآنت هم پذیرفته شده نیست زیرا سلسله تواتر به واسطه خود قرآ، قطع شده است. (۳۳)

**ب: اختلاف در مضامین روایت مذکور؛** روایت مذکور با متن‌های مختلف نقل شده و حتی در طبقه صحابه مانند اینکه: برخی گویای نزول قرآن و برخی گویای قرائت قرآن بر هفت حرف و در برخی به تدریج و در برخی به یک دفعه و در برخی مرحله چهارم، نزول یا قرائت بر هفت حرف محقق شده. در برخی واسطه نزول و قرائت، میکائیل بوده و برخی جبرئیل و... اختلاف در مضامین تا حدی بوده است که دانشمندان اهل سنت، در معنی روایت دچار ابهام و تفاوت آرا شده‌اند.

**ج: روایات نافیة احرف سبعة؛** روایاتی در نفی هفت حرف مبنی بر سه، چهار و پنج حرف و

حتی ده حرف وجود دارد که با روایات هفت حرف سازگاری ندارد. مانند روایت جندب که پیامبر (ص) فرمود: قرآن بر سه حرف نازل شده است. (۳۴)

خبر واحد بودن آن نزد شیعه؛ روایت مذکور در منابع حدیثی شیعه به ندرت نقل شده و آن هم در حد خبر واحد و به نظر بعید می‌رسد که روایتی از پیامبر (ص) متواتر نقل شده باشد و با این خال در مجموعه روایات شیعه، در حد چهار روایت باشد. (۳۵) چگونه است که صحابه بزرگ اسلام، حضرت علی (ع)، که بیشترین روایات مربوط به قرآن را حتی در کتب حدیثی اهل سنت، از پیامبر (ص) روایت نموده است، از او چنین روایتی نرسیده است؟ و نام او در میان ۲ صحابی معروف که سیوطی حدیث سبعة احرف را از آنها نقل می‌کند، وجود نداشته باشد. (۳۶)

### ابهام در معنی حدیث سبعة احرف

حدیث سبعة احرف از جهت معنی و محتوی یکسو و در یک جهت نیست. در مقایسه متن هر کدام با دیگری می‌توان دریافت که با یکدیگر یکسان نیستند. برخی درباره محتوای قرآن، (۳۷) و برخی در مورد لهجه‌ها و لغات فصیح و یا در مورد قرائت متفاوتی است که برای تسهیل امت نازل شده است. (۳۸) در برخی، سخن از ابواب سبعة و یا در مورد جایگزینی کلمات مترادفات است. (۳۹)

برخی هم در مورد هفت وجه است که به پایان آیات مربوط می‌شود و بر اساس آن می‌توان ختم هر آیه را بر هفت وجه ترسیم نمود. (۴۰) موضوعات مذکور همه از متن ۵۶ حدیث سبعة احرف که در در مقدمه تفسیر طبری بطور کامل ذکر شده است، برمی‌آید. بر این اساس، آیا حدیث سبعة احرف مربوط به لفظ است؟ و یا به معنای قرآن باز می‌گردد؟ و اگر مربوط به معنی است، آیا برای هر آیه هفت معنی قابل ترسیم است؟ اگر مربوط به الفاظ است، آیا مربوط به تمامی الفاظ قرآن است؟ یا به الفاظ آخر کلمه

اختصاص دارد؟ اگر مربوط به تمامی الفاظ است، آیا بر اساس لهجه‌ها است یا لغات؟ و کدام لغت و لهجه؟ آیا می‌توان کلمات قرآن را بر این اساس جایگزین نمود؟ آیا حدیث سبعة احرف مخصوص مقطع خاص زمانی و برای تیسیر مردم بوده است؟<sup>(۴۱)</sup> و آن مقطع خاص، آیا همان دوران حیات رسول بوده؟ یا پس از آن؟ و... لذا در معنی حدیث بیش از ۳۵ قول در بین علمای اهل سنت ذکر شده است.<sup>(۴۲)</sup>

### دیدگاه دانشمندان شیعه

در نزد شیعه، حدیث سبعة احرف، نخست در کتابهای خصال صدوق و بصائر از صفار و رساله نعمانی از شیخ مفید آمده است که در مجموع چهار روایت می‌باشد. آن چهار روایت به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف: بخشی که می‌تواند همانند روایات اهل سنت در بحث سبعة احرف مورد استناد واقع شود.

ب: بخشی که - گرچه در آنها واژه سبعة احرف یا مشابه آن به کار رفته است - اساساً مربوط به حوزه بحث نزول الفاظ قرآن بر هفت حرف نیست، بلکه مربوط به تفسیر قرآن و معنای آن می‌باشد. اینک به ذکر هر دو قسم آن پرداخته می‌شود:

بخش اول: یعنی بخشی که می‌تواند همانند روایات اهل سنت در حوزه سبعة احرف، مورد استناد واقع شده و مؤیدی برای روایات اهل سنت باشد، تنها یک روایت است که مرحوم صدوق در خصال آن را چنین روایت می‌کند:

قال رسول الله: أتاني آت من الله فقال: ان الله يامرک ان تقرأ القرآن علی حرف واحد فقلت يا ربّ وتسع علی فقال ان الله يامرک ان تقرأ القرآن علی حرف واحد فقلت: يا ربّ وتسع علی امتی. فقال: ان الله يامرک ان تقرأ القرآن علی حرف واحد، فقلت يا ربّ وتسع علی امتی فقال ان الله يامرک ان تقرأ علی سبعة احرف.



پیامبر (ص) فرمود: فرستاده ای از نزد خداوند آمد و فرمود: خداوند به تو امر می‌کند که قرآن را بر حرف واحد بخوانی. بدو گفتم: پروردگار را بر من توسعه بده. آن فرستاده گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر حرف واحد بخوانی. من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده. آن فرستاده گفت: پروردگار امر می‌کند که قرآن را بر یک حرف بخوانی. سپس من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده او گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر هفت حرف بخوانی. (۴۳)

روایات مذکور در صورت صحت سند، حمل بر لهجه‌ها، لحن‌ها در هنگام ادا است (۴۴) "تأییدی بر نزول قرآن بر هفت حرف ندارد. ضمن آنکه با روایت صحیحی از امام صادق (ع) که بیانگر نزول قرآن بر حرف واحد است، سازگاری ندارد و مرحوم صدوق، گرچه در باب سبعة، اقدام به نقل آن نموده و لکن بر آن معتقد نشده و در کتاب "الاعتقادات" بیان می‌دارد که اعتقاد ما بر آن است که قرآن واحد است. (۴۵) روایت امام صادق (ع) چنین است:

عن الفضیل بن یسار قال: قلت لابی عبدالله (ع): ان الناس یقولون ان القرآن نزل علی سبعة احرف فقال کذبوا اعداء الله و لکنه نزل علی حرف واحد من عند الواحد.

فضیل بن یسار می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف نازل شده است. فرمود: دروغ می‌گویند، دشمنان خدا. قرآن بر یک حرف و از جانب یکی نازل شده است. (۴۶)

بخش دوم: روایاتی که گرچه در آنها واژه سبعة احرف یا مشابه به آن به کار رفته است، ولی مربوط به حوزه‌های دیگر می‌باشد و اساساً نمی‌تواند در بحث نزول الفاظ بر هفت حرف آن چنان که گروهی از حدیث‌پژوهان اهل سنت مدعی آن هستند و مفسر بزرگ اهل سنت، طبری در تفسیرش، نیز برای آن روایاتی را ارائه می‌نماید - مورد استناد باشند. آنها سه روایت دیگرند که بدین قرارند:

- ۱- حماد بن عثمان می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم که احادیث از شما مختلف نقل می‌شود. سپس امام (ع) فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین وجه برای امام این است که بر هفت وجه فتوا بدهد. (۴۷)
- ۲- امام باقر (ع) می‌فرماید: تفسیر قرآن بر هفت حرف است (و در نسخه دیگری، هفت وجه است) که بخشی در آن بیان شد و بخشی از آن بیان نشده است که آن را تنها ائمه می‌دانند. (۴۸)
- ۳- نعمانی، مرسلأ از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: قرآن بر هفت قسم نازل شده است که هر قسمتی در آنها کافی و شافی است و آنها امر و زجر و ترغیب و ترهیب و جدل و مثل و قصص هستند. (۴۹) بدین سان به برخی از اقوال علمای شیعه اشاره می‌شود:

#### ۱- شیخ صدوق:

محمد بن علی بن الحسین بن بایوبه قمی، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ه. ق، از علمای جلیل‌القدر شیعه، معتقد بر نزول حرف واحد است. وی در باب: "اعتقاد در مورد جایگاه قرآن" روایت صحیح را از امام باقر (ع) ذکر می‌کند و می‌گوید:

اعتقاد ما آن است که قرآنی که بر پیامبر (ص) نازل شده، همان مابین الدفتین است... و امام باقر (ع) فرمود: قرآن واحد و از نزد واحد است. (۵۰)

شیخ صدوق گرچه در خصال روایت سبعة احرف را آورده است، اما هدف او، درج تمامی روایاتی بود که در آنها واژه سبعة آمده است، هر چند به نظر او صحیح نباشد.

#### ۲- شیخ طبرسی:

امین‌الاسلام، شیخ طبرسی از علمای بزرگ قرن پنجم و صاحب تفسیر ارزشمند

مجمع البیان، در مقدمه تفسیر خود در فن دوم، متعرض حدیث سبعة احرف می شود و بیان می دارد: ظاهر از مذهب امامیه آن است که بر جواز قرائت متداول بین قرا اجماع نموده اند... و شایع و رایج در روایات شیعه آن است که قرآن بر حرف واحد بوده است. (۵۱)

### ۳- علامه محمد باقر مجلسی:

محدث بزرگوار شیعه، مرحوم مجلسی متوفای ۱۱۱۰ ه. ق می گوید:

خبیر (روایت صدوق مبنی بر قرائت سبعة احرف) ضعیف است و با اخبار فراوانی که خواهد آمد، مخالف است. (۵۲)

### ۴- علامه طباطبایی:

مفسر عالیقدر شیعه علامه محمد حسین طباطبایی در ذیل آیه شریفه هفت، سوره آل عمران در بحث محکم و متشابه قرآن و اینکه قرآن دارای مراتبی از معانی است، به حدیث سبعة احرف اشاره می نماید و معتقد است که حدیث مذکور با توجه به ذیل آن مربوط به اقسام خطاب و انواع بیان است و می فرماید: در حدیث مردی از طریقین از پیامبر (ص) آمده است که حضرت فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده. در اینجا باید گفت: حدیث مذکور گرچه با اختلاف الفاظ، نقل شده است، لیکن معنای آن در همه یکسان است... و آن چه امر را آسان می نماید آن است که در متن آن روایات، تفسیر سبعة احرف آمده است و باید بر آن اعتماد نمود... از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود خداوند قرآن را بر هفت قسم نازل نموده است و همه آنها شافی و کافی است قرآن امروز جزو ترغیب و ترهیب و جدل و مثل و قصص است و متعین، حمل سبعة احرف بر اقسام خطاب و انواع بیان است. (۵۳)

### ۵- آیه‌الله معرفت:

ایشان نیز معتقد است حدیث صدوق که از پیامبر (ص) رسیده که قرآن را بر هفت حرف قرائت نمای، مربوط به لهجات است و حدیث صدوق که از امام صادق رسیده که قرآن بر هفت حرف نازل شده، مربوط به بطون و محتوای قرآن است و انکار امام صادق نیز که می‌فرماید قرآن بر هفت واحد است، مربوط به نزول الفاظ آن بر هفت حرف است. (۵۴)

### نتیجه:

روایت سبعة احرف که در نزد فریقین آمده است، خواه متواتر باشد یا نباشد، نمی‌تواند در مورد نزول الفاظ قرآن بر هفت حرف باشد، بلکه یا مربوط به اجازه قرائت قرآن بر لهجه‌ها در موارد خاصی است و یا مربوط به محتوی و بطون آیات قرآن است؛ احتمال دوم، به نظر مناسبتر می‌رسد؛ زیرا از مؤیدات بیشتری برخوردار است و روایت امام صادق (ع) نیز می‌تواند در تأیید آن باشد که می‌فرماید: نزول قرآن بر حرف واحد بوده است.

## منابع و یادداشتها

۱- بخاری، محمد بن اسماعیل: صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ج ۶ ص ۲۲۸ و مسلم، محمد: صحیح مسلم، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۳۷۴ ق. ج ۲، ص ۲۰۲ و طبری، ابو محمد بن جریر: جامع البیان عن تاولیل ای القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰.

۲- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر: جامع البیان، همان مقدمه تفسیر طبری تحت عنوان: اللغة التي نزل بها القرآن

۳- بخاری، محمد بن اسماعیل: صحیح بخاری، همان، ج ۶ ص ۲۲۸ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴- ترمذی، محمد بن عیسی: سنن ترمذی، دار احیاء السنة النبویه، بیروت، ج ۵، ص ۱۹۴.

۵- طبری، جامع البیان، همان، ج ۱، ص ۳۵

۶- همان.

۷- همان.

۸- بخاری، صحیح بخاری، همان، ج ۷، ص ۴۶. فضائل القرآن.

۹- مسلم، صحیح مسلم، همان، ج ۲، ص ۲۳۳

۱۰- ابی داوود: سنن ابی داوود، دار احیاء السنة النبویه، بیروت، ج ۲، ص ۱۰۲.

۱۱- مسلم، صحیح مسلم، همان، ج ۲، ص ۲۳۲

۱۲- طبری، جامع البیان، همان، ج ۱، ص ۴۰. فانی و مطالعات فریبنی

۱۳- قرطبی، ابو عبدالله، محمد بن انصاری: الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب، قاهره، ۱۳۷۸ ق،

ج ۱، ص ۳۲.

۱۴- سیوطی، جلال الدین: الاتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، ج، ص ۱۶۴، (چهار جزء

در ۲ مجله)

۱۵- زرقانی، محمد عبدالعظیم: مناهل العرفان، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۶۲ هـ، ج ۱، ص ۱۳۷

۱۶- طحاوی، ابن جعفر احمد: مشکل الآثار، طبع هند، ۱۳۳۳ هـ. ق. ج ۴، ص ۱۹۴. اوله ۲۶

۱۷- مکی بن ابی طالب: الابانه فی معانی القراءات، تحقیق دکتر عبدالفتاح اسماعیل، مطبعة الرسالة،

قاهره، بی تا، ص ۳۸

۱۸- ابن جزری: النشر القراءات العشر، مطبعة مصطفى، قاهره، ج ۱، ص ۲۶. اوله ۲۶

- ۱۹- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، همان، ج ۱، ص ۳۲
- ۲۰- طبری، جامع البیان، همان، ج ۱، ص ۴۳
- ۲۱- ابن عطیه: المجرراتوجیز فی تفسیر القرآن، قاهره، ۱۹۷۲ ق، ج ۱، ص ۵۹
- ۲۲- آلوسی: روح المعانی، دار احیاء التراث. بیروت، ج ۱، ص ۲۱
- ۲۳- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله: البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفه، بیروت، ج ۱، ص ۲۲۶
- ۲۴- جزائری، محمد طاهر: التبیان لبعض المباحث المتعلقة بالقرآن، قاهره، ۱۹۳۴ ق، ص ۱۴۴
- ۲۵- الاتقان فی علوم القرآن، همان، ج ۱، ص ۷۸.
- ۲۶- مؤدب، سیدرضا: علم الحدیث، احسن الحدیث، قم، ۱۳۷۸ هـ، ص ۲۳
- ۲۷- ابن جزری: النشر فی القراءات العشر، مطبعه مصطفى محمد، قاهره، بی تا، ج ۱، ص ۲۱
- ۲۸- ابوشامه، شهاب الدین: المرشد الوجیم، بیروت، دار صادر، ۱۴۹۵ هـ، ص ۸۷
- ۲۹- عتر، حسن ضیاء الدین: الاحرف السبعه و منزله القراءات منها، دار البشائر، بیروت ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۱۰۹
- ۳۰- مؤدب، سیدرضا: نزول قرآن و رؤیای هفت حرف، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۸، ص ۴۵
- ۳۱- مناهل العرفان، همان، ج ۱، ص ۱۳۹
- ۳۲- الاحرف السبعه، همان، ص ۱۰۹
- ۳۳- خونی، ابوالقاسم: البیان، انوار المهدی، ۱۴۰۱ هـ. ق، ص ۱۵۱
- ۳۴- السندی، حسام الدین: کنز العمال، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۳
- ۳۵- نزول قرآن، همان، ص ۲۳۸
- ۳۶- الاتقان، همان، ج ۱، ص ۱۶۳
- ۳۷- جامع البیان، همان، ج ۱، ص ۳۵ و صحیح بخاری، همان، ج ۶، ص ۲۲۸
- ۳۸- ترمذی، محمد بن عیسی: سنن ترمذی، دار احیاء السنه النبویه، بیروت، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۴
- ۳۹- جامع البیان، همان، ج ۱، ص ۳۷
- ۴۰- ابی داوود: سنن داوود، دار احیاء السنه النبویه، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۲
- ۴۱- مشکل الآثار، همان، ج ۴، ص ۱۹۰
- ۴۲- الاتقان فی علوم القرآن، همان، ج ۱، ص ۱۴۵، النوع السادس عشر.

- ۴۳- صدوق: خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۸۹ ق، ج ۲، ص ۱۱، ابواب السبعة و مجلسی به نقل از خصال، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۹
- ۴۴- معرفت، محمد هادی: التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۰۵
- ۴۵- صدوق، محمد بن علی: الاعتقادات که در ضمن مجموعه مصنفات شیخ مفید در جلد ۵ چاپ شده، باب ۳۳، الاعتقاد فی مبلغ القرآن، ص ۸۶
- ۴۶- کلینی، محمد بن یعقوب: الکافی فی الاصول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۸ هـ. ق تصحیح علی اکبر غفاری، کتاب فضل القرآن، ج ۲، ص ۶۳۰
- ۴۷- صدوق، خصال، همان، ج ۲، ص ۱۰ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۹ به نقل از خصال.
- ۴۸- صفار، محمد بن حسن صفار: بصائر الدرجات، چاپ ۱۳۸۱ ق، بی جا، ص ۱۶۹، ج ۹، باب ۷، و مجلسی بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۸، به نقل از بصائر
- ۴۹- مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۴ و ۹۷، به نقل از رساله النعمانی فی صنوف القرآن.
- ۵۰- صدوق، الاعتقادات، همان، ص ۸۶، باب ۳۳
- ۵۱- طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق، مقدمه، فن دوم، ص ۲۸
- ۵۲- بحار الانوار، همان، ج ۸۲، ص ۶۵
- ۵۳- طباطبائی، محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۴ ق، ج ۳، ص ۷۴
- ۵۴- التمهید فی علوم القرآن، همان، ج ۲، ص ۱۰۵